

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

اعلامیه هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

ود به سی امین سالگرد جنبش ۲۱ آذر ماه آذربایجان!

در هفتۀ آخر آبان رفیق زندمَن رئیس شورای وزیران جمهوری دمکراتیک آلمان، بدعوت رسمی دولت ایران، در رأس یک هیئت نمایندگی به ایران سفر کرد. در پایان مذاکرات رسمی بین هیئت نمایندگی دولت جمهوری دمکراتیک آلمان و هیئت

هم میهن عزیز! آذر ماه امسال سی سال از پیروزی جنبش خلقی بان ایران برهبری فرقه دمکرات آذربایجان است. این جنبش در سراسر میهن ما بویژه در آذر دارای ریشه‌های تاریخی فراوان است و خصلت نیک و ضد امپریالیستی داشته‌و در دوران پس از توم جهانی و پیروزی بر فاشیسم و در شرایط ناسب نیروها بسود صلح، دمکراسی و سوسیالیسم در شرایط اعتلاء جنبشهای انقلابی و رهایی بخش گردیده و به استقرار حکومت ملی آذربایجان گره است. این نهضت ایجاد تکیه گاه عظیمی بط دمکراسی در ایران و اجراء اصلاحات بنیادی نیک در آذربایجان را هدف خویش ساخت و استقلال و تمامیت ارضی ایران را در سرلوحه خود قرار داد. وسیع ترین قشر های طبقاتی جامعه در این جنبش شرکت جستند و آنرا ویت قرار دادند.

با آنکه نهضت دمکراتیک آذربایجان و دولت آنت بیش از یکسال فرصت عمل نیافت، اقدامات و دستاوردهایش در تمام زمینه های اجتماعی افتخار آمیز است: جنبش ۲۱ آذر دستگاه کهنه دولتی را شکست، سلاح خلقی ایجاد کرد، انجمنهای ده و شهر متان بوجود آورد. اتحادیه های صنفی را تشکیل برابر حقوقی زنان را بر مردان تأمین و برای ار بزنان درانتخابات حق شرکت داد. مؤسسات زبانی دائر ساخت و شبکه بازرگانی دولتی کرد. قانون مترقی کار و بیمه اجتماعی را تصویب کرد. اصلاحات مترقی انجام داد، یعنی املاک و ملاکات وابسته به امپریالیسم و ارتجاع و به نهضت مصادره گردید و بین یک میلیون دهقان زمین برایکمان تقسیم شد. مناسبات غیر بین عشایر الغله گردید، زبان آذربایجانی زبان اعلام شد و دانشگاه تهریز تشکیل گردید و تهریز هائز شد و آرکستر ملی و فیلموثری بنائت بوجود آمد. اقدامات وسیعی در زمینه ت انجام گرفت و ازانجمله استعمال تریاک ممنوع ت نیک صفخه درخشان در تاریخ جنبشهای مردم است. روشن است که ارتجاع ایران و بر رأس آن امپریالیست های امریکا و انگلیس نمیتوانستند بحول عقیت و انقلابی را در آذربایجان و نظیر ع تحولات را در کردستان تحمل کنند. زیرا هیضت متزلزل ساختن پایه های تسلط اسارت آور و امپریالیسم و بسط دمکراسی در سراسر ایران وقتیهتی چشمگیر جنبش ۲۱ آذر و حکومت آذربایجان بر قدرت جنبش دمکراتیک و ملی در کشور افزوده، آنرا تقویت کرده، وارد دوران ساخته بود.

حزب توده ایران از همان آغاز نهضت از آن بردهایش با تمام قوا پشتیبانی و هممت پلید و ین تجزیه طلبی، را که امپریالیسم و ارتجاع نهضت وارد میساختند، رد کرد. عده ای از با سابقه سازمان افسری حزب توده ایران را به ان فرستاد تا در صفوف فدائیان آذربایجان پیکار حزب تمام حیثیت معنوی عظیم خود را وقف بگیرد از این جنبش نمود و تا امروز نیز در همین ایستاده است.

نیرو های مترقی آنروز کشور بنوبه خود به

گسترش مناسبات با کشورهای سوسیالیستی خواست مردم ایران است

نمایندگی دولت ایران موافقتنامه‌هایی در زمینه اقتصادی، بازرگانی و فنی باصفا رسید و اعلامیه مشترکی، حاوی اظهار نظر در باره برخی از مهمترین مسائل بین المللی انتشار یافت. اگر بنیاد بیاوریم که دولت ایران، به پیروی

از سیاست امپریالیستها، بویژه امپریالیستهای امریکائی و آلمان غربی، بیش از بیست سال تضییع دولت سوسیالیستی آلمان را ندیده گرفت و آنرا برسمیت نشناخت، اگر توجه داشته باشیم که دولت ایران دنباله در صفحه ۲

موج جدید ترور و اختناق - سر آغاز « جشنهای پنجاه سالگی »

عذاب ناصر رحمانی نژاد را با تنقیه آب جوش بیدرحد مرگ میکشاند؛ بطوریکه مدتها بحال اغما بستری بوده است. اینک بدقیال این جنایات خبر میرسد که صد نفر از زندانیان آزاد شده سیاسی را بار دیگر بعنوان «مهمان» زندانی کرده اند. مأموران ساواک شبانه بخانه آنها هجوم برده و پس از بازرسی وحشیانه خانه ها و نیاقتن هیچ چیز، آنها را بازداشت میکنند و آنها میگویند که تا شش ماه یعنی تا پایان جشنهای پنجاه سالگی «مهمان» ما هستید!

مقارن همین احوال گروههای زیادی از دانشجویان دانشگاه صنعتی آریا مهر و دانشگاه تهران را نیز بهمین دلیل «قاتل» کننده، بازداشت میمانند و ۶۸۶ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران را بیبانه مقررات جدید دانشگاهی از دانشگاه دور و سرگردان میکنند. این جنایات بيشمرانه که سر آغاز جشنهای پنجاه سالگی حکومت مستبدۀ خاندان پهلوی است در عین حال که نمایشگر ترس و وحشت حکومت فاشیستی ایران از مردم است، نشان میدهد که این حکومت دشمن قسم خورده هنر و هنرمند، دانش و دانش‌پژوهی و هر نوع آگاهی اجتماعی است. از یکسو فرج دیبا هر ساله با بوق و کفرنا در شیراز «جشن هنر» برپا میکند و از سوی دیگر بدستور «شوهر تاجدارش» سرشناس ترین نویسندگان و هنرمندان بیگناه بزیچیر دنباله در صفحه ۲

طایفه شوم جشنهای پنجاه سالگی سلطنت خاندان پهلوی با محکوم کردن ۴ نفر از هنرمندان بیگناه در دادگاههای بیدادگر نظامی بزندانهای سنگین، بازداشت مجدد صد نفر از زندانیان سیاسی که پس از پایان دوران زندان آزاد شده اند، توقیف صد ها نفر دانشجو از دانشگاههای تهران و آریا مهر، بیدیدار میشود. روزنامه های تهران می نویسند که چهار تن از نویسندگان و هنرپیشگان سرشناس: آقایان ناصر رحمانی نژاد کارگردان و هنرپیشه، محسن یلفانی هنرپیشه و نمایشنامه نویس، سعید سلطان پور شاعر و کارگردان و هنرپیشه، محمود دولت آبادی داستان نویس و هنرپیشه در دادگاههای نظامی بترتیب به ۱۱، ۲، ۴ و ۱ سال زندان محکوم شدند. این هنرمندان و نویسندگان که بلا استثناء مورد شکنجه های ددمشانه ساواک قرار گرفته اند، گناهشان این بوده که میخواستند اند یک نمایشنامه اثر ماکسیم گورکی را پس از سانسور اداره سانسور کتاب ساواک و گرفتن پروانه از اداره سانسور تاتر، بیرو صحنه بیاورند. هنرپیشگان پس از انجام «تشریفات قانونی» بدترین پرداخته اند که ناگهان در یکی از شبها مأموران اداره مرکزی ساواک بمحل تمرین یورش میبرند و بیش از ۵۰ تن هنرپیشه زن و مرد را که در آنجا حضور داشته اند بازداشت و مترجم نمایشنامه را نیز بدقیال آنان روانه زندان میکنند. مأموران شکنجه و

«جهش بزرگ» بسوی خیانت

جهش در سیاست رهبری یکن از مواضع چپ گرانی افزایشی به مواضع هم پیوندی و اتحاد با نیرو های ارتجاع سیاه و فاشیستی روز بروز آشکارتر میشود. امروز رژیم مائوئیستۀ دوت به تکیه گاه خونخوری فاشیستی و ضدبازری و متحد نیرو های ارتجاعی و فاشیستی در مناطق مختلف جهان تبدیل شده است.

روزنامه «پیرو بوسی توش» چاپ آرژانتین می نویسد: رهبری مائوئیستی چین در شرایطی روابط سیاسی و اقتصادی خود را با رژیم فاشیستی پیرو ش گسترش میدهد که این رژیم در سراسر جهان مقرر میشود. عین این مطلب را روزنامه انگلیسی «ایزورر» تکرار میکند. تضادفوی نیست که نماینده یکن در سازمان ملل متحد به قطعه نامجمع عمومی این سازمان که رژیم خونخوری فاشیستی شیلی را محکوم سکود رای نداد. و همچنین چین در کنفرانس جهانی همبستگی با خلق شیلی که در آن تشکیل شد شرکت نمود.

مقایله باخونخوری فاشیست شیلی تنها شیرینکاری مائوئیست ها نیست. طبق اطلاع خبرگزاری «سینخوا» صدر کمیته دائمی مجلس نمایندگان خلقی سراسر چین بضمایت مرگ فرانکو دیکتاتور فاشیست اسپانیا تلگراف تسلیت برای شورای سلطنت اسپانیا ارسال داشت. طبق خبر خبرگزاری فرانس پرس نهضت وزیر چین چون لای و صدر کمیته دائمی مجلس نمایندگان چوده دسته گلهائی به سفارت اسپانیا در یکن فرستادند و معاون وزیر امور خارجه برای ابراز مراتب تسلیت دولت چین بضمایت درگذشت فرانکو در سفارت اسپانیا در یکن حضور یافت.

حزب کمونیست فرانسه که همواره یکی از آماج های حملات و اتهامات بيشمرانه رهبری مائوئیستی یکن بوده به تصمیم دولت فرانسه در مورد نیمه افراشته کردن پرچم ملی فرانسه به نشانه سوگواری در مرگ فرانکو اعتراض نمود. در اعلامیه حزب کمونیست فرانسه گفته میشود: «دین تصمیم بمتزله اهانت بخلق اسپانیا و خرابکاری در مناسبات آینده فرانسه با اسپانیای دمکراتیک است و همچنین نسبت به زحمتکشان و

رژیم شاه در سوگ

رژیم فاشیستی فرانکو

از ۲۹ آبان تا اول آذر - بمدت سه روز درتض شاهنشاهی، و پرچمهای دولتی نیمه افراشته بود. این پرچمها طبق فرمان دربار و بمناسبت مرگ فرانکو پائین آورده شده بود. دربار تهران و شخص شاه مرگ فرانسیسکو فرانکو را «ضایعه ای تأسف انگیز» در سلج دولتی تلقی نموده و گذشته از اعلام عزای رسمی به اعزام هیئت عالیرتبه دولتی به اسپانیا اقدام نمودند. براسی چرا دربار تهران و شخص شاه اینچنین خود را در مرگ فرانکو سوگوار یاقند؟ چرا در مرگ یک کودتاکر فاشیست، کسی که جهل سال تمام مانند بختکوری برای اسپانیا اقتاد و ملت مبارز و ترقی خواهی را اسیر رژیم بیدادگر فاشیستی ساخت، دربار ایران بجزا نشسته است؟ مصفا ریشه این سوگ را در خویشاوندی رژیمهای فرانکو و شاه و تا حدود زیادی همبستگی آنها یکدیگر میتواند یافت.

فرانکو در اسپانیا با کودتائی که از جانب آلمان و ایتالیای فاشیستی و محافل مترج امپریالیستی تقویت میشد روی کار آمد. هدف این کودتاسرکوب جمهوری جوانی بود که ارزنده ترین نیرو های انقلابی مردم اسپانیا، متشکله در «جبهه خلق» (که در انتفا یات فوریه ۱۹۳۶ پیروز شده بودند) در رأس آن قرار گرفته بودند. این جبهه پیروزی آزادی و دمکراسی واقعی در اسپانیا و جلوگیری از جنگ مهبب آمریکا لیستی جهانی را به ملل اروپای غربی و همه جهانئیان توید میداد.

چنانکه میدانیم شاه در کشور ما ایران نیز با کودتائی که حامیان آن امپریالیستهای آمریکا وانگلیس بودند مجدداً به تخت سلطنت باز گشت. هدف این کودتا سرکوب جنبش ملی کردن نفت و حکومت قانونی مصدق و جلوگیری از اعتلاء آتی مبارزات ملی و دمکراتیک بود که آینده سعادت بخشی را به مردم ایران نوید میداد.

هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

